

# لغات درس سوم

ردیف	لغت	معنی	ردیف	لغت	معنی
1	ethical	اخلاقی، وابسته به اخلاق	29	century	قرن
2	facilitate	آسان کردن، کمک کردن تحصیل	30	existence	بوجود آمدن
3	improve	اصلاح کردن، پیشرفت کردن، بهبود دادن	31	indicate	مشخص کردن
4	performance	عملکرد، اجرا، نمایش	32	serve	خدمت رسانی
5	appropriate	اختصاص دادن، درخور، مناسب، مقتضی	33	administrative	اجرایی
6	propose	پیشنهاد کردن	34	distribution	توزیع
7	perceive	درک کردن، دریافتن، ادراک کردن	35	exhibit	قابل حرکت
8	associate	مربوط ساختن، وابسته، پیوسته، شریک	36	shortly	بلافاصله
9	instructor	معلم، استاد، آموزنده	37	although	اگرچه
10	consider	رسیدگی کردن، ملاحظه کردن	38	District-wide	محدود ولی گسترده
11	rubric	عنوان، سرفصل	39	equivalent	برابری
12	forerunners	پیشگامان	40	definition	تعریف
13	early	اولیه	41	considered	در نظر گرفته
14	movement	نهیضت (جا به جایی)	42	officially	به طور رسمی
15	trace	رد، نشان، رسم کردن	43	stance	وضع حالت
16	propose	پیشنهاد	44	practice	کاربرد
17	initial	اولیه، ابتدایی	45	prior	اولی، قبلی، از پیش
18	initially	در ابتدا، (به طور ذاتی)	46	advent	ظهور، ورود
19	abstract	انتزاعات	47	height	بیشترین
20	advocate	پشتیبانی	48	foreshadow	از پیش گفته اند، شرح داده شده
21	object	واقعیات	49	accurate	رخ دادن، اتفاق افتادن، جاگذاری شده
22	posit	توصیه کردن، شرح دادن	50	concrete	واقعی
23	relation	ارتباط	51	proceed	دنبال شود، پیشرفت
24	illustration	تصویرسازی			
25	supplement	تکمیل			
26	however	با این حال			
27	advocated	پشتیبانی			
28	via	از طریق			